

- ۱ • اسرائیل بیخ گوش ایران
- ۲ • سرشت مهربان آدم‌های اینجا
- ۳ • آقای پرزور
- ۴ • خلاصه سخنرانی شب اول محرم الحرام



چند مشت رأی حرام

دعوت کردن قوای سه‌گانه به همراهی و همدلی فرمودند: «یک راهبرد مهم دیگر، تمرکز بر حل مسائل و سرگرم‌نشدن و مشغول‌نشدن به حواشی است. حواشی ایجاد می‌شود؛ همیشه هم دشمن نیست که حاشیه ایجاد می‌کند؛ گاهی از روی غفلت و با عوامل گوناگون و انگیزه‌های گوناگون، یک حواشی‌ای در اطراف یک کاری، یک حرکتی، یک شخصی، یک مدیری ایجاد می‌شود؛ سرگرم این حواشی نباید شد. نه مردم به این حواشی اهمیت بدهند، نه مسئولان خودشان را مشغول کنند؛ [همه] متمرکز بشوند روی مسائل اساسی کشور»

حالا اما هیچ نشانی از عمل به سخنان رهبری دیده نمی‌شود. مجلس شورای اسلامی یک ماه است تمام تمرکز خود و وزارت کشور را سر مسئله‌ای قرار داده است که دردی از جامعه دوا نکرده و تنها شهوت قدرت نمایندگان را ارضا می‌کند.

حالا ساکنان خیابان بهارستان در آزمون سختی قرار دارند. مجلسی که هر ساله توسط رهبر معظم انقلاب به‌عنوان «مجلس انقلابی» توصیف شده است امروز باید تصمیم بگیرد که همچنان منافع کشور را در تصمیماتش اولویت می‌داند، یا در بازی کودکانه قدرت‌طلبی غرق می‌شود و به‌خاطر چند مشت رأی حرام، تمام اعتبارش را به حراج می‌گذارد.

مجلس، اصل بدیهی استقلال وزارت کشور را فراموش کرده‌اند و با فشار خود درصد تبدیل ستاد انتخابات به ستاد شخصی خود هستند. فشاری که با چماق استیضاح همراه شده است و گویا قرار نیست به این راحتی از آن دست بردارند.

دو ماه پس از دیدار سالیانه نمایندگان مجلس با رهبر معظم انقلاب (ع)، وکلای ملت، ضد راهبردهای ولایت‌فقیه عمل می‌کنند. رهبر انقلاب در دیدار سوم خردادماه امسال با نمایندگان فرمودند: «از جمله گرفتاری‌های کشور، سال آخر مجالس است؛ چون نمایندگان در شرف انتخابات و نگاه‌های مردم قرار می‌گیرند، اما شما سعی کنید بدون توجه به انتخاب‌شدن یا نشدن در انتخابات اسفند امسال، کار کنید؛ چرا که آنچه می‌ماند فقط کار برای رضایت پروردگار است.»

یک ماه التهاب در فضای سیاسی کشور و از بین بردن آرامش روانی جامعه تنها برای یک‌بند از بخشنامه‌ای که وزیر کشور در همان روز نخست آن را ملغی کرد نه تنها رضایت پروردگار را ندارد؛ بلکه به‌خاطر عمل‌نکردن به سخنان امام جامعه، خشم خداوند را نیز در پی دارد.

این البته تنها مخالفت نمایندگان مجلس با سخنان رهبری نیست. عید فطر امسال رهبر انقلاب با

همه چیز از یک بخشنامه آغاز شد. بخشنامه ساده‌ای که معاون سیاسی وزیر کشور به‌عنوان مجری انتخابات در راستای برگزاری هرچه سالم‌تر انتخابات دوره دوازدهم

مجلس شورای اسلامی به استانداران، فرمانداران و رؤسای ستادهای انتخاباتی سراسر کشور اعلام کرد برای جلوگیری از سوءاستفاده تبلیغاتی، همراهی با نمایندگان در جلسات و برنامه‌های با اهداف خاص و هماهنگ نشده اجتناب کنند.

در بخشی از این بخشنامه آمده است: «فرمانداران، بخشداران و معاونین فرماندار ضمن تداوم پیشبرد امور شهرستان‌ها در حوزه‌های مختلف عمرانی، اقتصادی، توسعه‌ای و... در روابط با نمایندگان محترم مجلس در مدت باقی‌مانده تا انتخابات برای پیشگیری از هر گونه سوءبرداشت، نسبت به عدم همراهی و معیت نماینده محترم در حوزه انتخابیه در موضوعات و جلسات شائبه دار، حساسیت و دقت لازم را داشته باشند.»

این بند بخشنامه اما خون مجلسیان را به جوش آورده است. شاید مضحک به نظر برسد؛ اما نمایندگان

سرمقاله



محمد جواد مولوی



امام روح الله (ع) محرم، ماه پیروزی حق بر باطل

محرم ماهی است که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قیام کرده، و به اثبات رسانده که در طول تاریخ، همیشه حق بر باطل پیروز شده است.

صحیفه امام، جلد ۵، صفحه ۱۷۷

اسرائیل بیخ گوش ایران

هادی عازاد

از گذشته برای امروز

یک حسن و یک عیب ما ایرانیان

ما مردم ایران یک حسن داریم و یک عیب. حسن ما مردم این است که در مقابل حقیقت، تعصب کمی داریم و شاید می‌توانیم بگوییم بی‌تعصب هستیم؛ یعنی اگر با حقایق برخورد کنیم و آنها را درک کنیم، شاید از هر ملت دیگر زودتر تسلیم آن حقایق می‌شویم. ولی یک عیب بزرگی در ما ملت ایران هست که به موازات اینکه در مقابل حقایق تسلیم می‌شویم، به حماسه‌ها و ارکان شخصیت خودمان زیاد پایبند نیستیم و با یک حرف پوچ، زود آن را از دست می‌دهیم و رها می‌کنیم. هیچ ملتی به اندازه ما نسبت به شعائر خودش بی‌اعتنا نیست. شما هندی‌ها و ژاپنی‌ها و اعراب را دیده‌اید؛ آنها هم مثل ما مشرق‌زمینی هستند، لکن از این نظر مثل ما نیستند. به اندازه‌ای که ما در مقابل لغات و عادات اجنبی تسلیم هستیم، هیچ ملتی تسلیم نیست. به عکس‌هایی که در کتاب‌های تاریخ علوم هست نگاه کنید. می‌بینید دانشمندان درجه اول هند با همان عمامه و لباس خودشان هستند... می‌خواهد به همه مردم دنیا بگوید که من هندی هستم و باید هندی باقی بمانم و در مقابل علم و صنعت تعصب ندارم، که علم و صنعت مربوط به کشور خاصی نیست؛ در مقابل عقاید بزرگ فلسفی و دینی تعصب ندارم؛ اما در مورد شعارهای ملی، هر کسی به شعارهای خودش پایبند است. من چرا باید شعار یک ملت دیگر را بپذیرم؟ ولی ما، اگر فرنگی یک ژنرال ببندد، ما دو تا ژنرال می‌بندیم، با اینکه او روی حساب شعار خودش این کار را می‌کند. در جامعه ما این حسابها نیست.

(حماسه حسینی، ج ۱، ص ۴۴)



و اهرم فشاری نیستند. عدم توجه به این ظرفیت عظیم فرهنگی-امنیتی که به برکت پیام آزادی‌بخش و فطرت پسند انقلاب اسلامی پدیدآمده فرصت‌سوزی بوده که متأسفانه در طول این سالان به سبب اهمال مسئولین امر به وقوع پیوست. ادامه این روند قطعاً به ضرر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و به نفع اختناق صهیونیستی حاکم در باکو است. هرگونه حمایت از تقویت تشکیلاتی و ساختاری دین‌داران جمهوری آذربایجان، تقویت قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران است؛ زیرا اسلام شیعی انقلابی اصلی‌ترین و مؤثرترین عامل نفوذ فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بوده و خواهد بود. نیروهای مذهبی اصلی‌ترین و شاید بتوان گفت تنها مخالفان مردمی حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان هستند که می‌توانند در جهت‌دهی به افکار عمومی این کشور نقش داشته باشند و از طرفی در صورت ضرورت درگیری و ایجاد ناامنی امنیتی برای وابستگان و عاملان رژیم در این کشور بهترین گزینه برای عملیات خواهند بود. هیچ عقلی نمی‌پذیرد نیروهایی را که با گوشت، پوست و خون خویش به اسلام شیعی انقلابی دل‌باخته‌اند به اسم پیشبرد منافع ملی حمایت نکرد و حتی گاه تضعیف نمود. نیروهایی که می‌توانند محور پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای ایران در قفقاز باشند. منطقه‌ای که دین‌داران شیعه تنها پایگاه اجتماعی ایران برای حضور در آن به شمار می‌آیند؛ زیرا ایران نه نفوذ اقتصادی خاصی در این منطقه دارد و نه حضور سیاسی مؤثر. توجه نکردن به دین‌داران آذربایجان می‌تواند به حذف ایران از معادلات این منطقه بینجامد و ایران مجبور باشد در زمین‌بازی دیگران به دنبال به‌دست آوردن خواسته‌ها و حفظ داشته‌هایش باشد. در یک کلام رویکردهایی که تقویت انقلابیون جمهوری آذربایجان را جدای از حفظ و گسترش منافع ملی ایران می‌دانند دلیل مشخصی برای مدعای خویش نداشته و ندارند.

حضور امنیتی-نظامی رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان تبدیل به یکی از چالش‌های نظامی امنیتی جمهوری اسلامی ایران شده است. واقعیتی که در کنار اتفاقات دیگر باعث شد جمهوری اسلامی ایران تا صفا آرایشی نظامی در مرزهای شمالی خود پیش برود. سؤال اینجاست که آیا راهکار مؤثر مقابله با ایجاد پایگاه برای رژیم غاصب صهیونیستی در همسایگی ایران، نمایش قدرت سخت نظامی است؟ برخوردی سخت نظامی در هر درجه‌ای بسیار پرهزینه خواهد بود و از طرفی باعث ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران اسلامی و حمایت‌های فرامنطقه‌ای از رژیم جبار علی‌اف خواهد شد. به نظر می‌آید تنها راه مؤثری که می‌تواند حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان را با خطر جدی روبه‌رو کرده و همچنین پایه‌های رژیم علی‌اف را سست کند استفاده از ظرفیت دین‌داران و شیعیان انقلابی آذربایجان در قالب مقاومت اسلامی است که پیش‌ازاین نیز کارائی خود را در به‌هم‌ریختن ساختار امنیتی رژیم علی‌اف نشان داده‌اند. دین‌داران آذربایجان در طول دهه اخیر تنها عنصر سیاسی بوده‌اند که توانسته‌اند تظاهرات گسترده در خیابان‌های باکو به راه بیندازند. البته توانایی‌های آن‌ها به این مقدار محدود نیست. شیفتگان انقلاب اسلامی ایران در آذربایجان در قیام قهرمانانه سال ۲۰۱۸ گنجه، اقدام به اعدام انقلابی المار ولی‌اف فرماندار این شهر نموده و برای نزدیک به ۷۲ ساعت شهر را از کنترل حکومت آذربایجان خارج کردند. این اتفاقات و ده‌ها مورد مشابه نشان از قدرت جریان دین‌دار و انقلابی جمهوری آذربایجان در سپهر سیاسی این کشور دارد. قدرتی که هیچ یک از دیگر جریان‌های سیاسی حاضر در این کشور دارای آن نمی‌باشد. جالب‌تر آن که هیچ یک از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در این کشور درصد اعمال نفوذ می‌باشند؛ مانند ترکیه و رژیم صهیونیستی دارای چنین پایگاه اجتماعی

سرشت مهربان آدم‌های ایبنا

محمد مهدی سعیدی صابر



آقای پُر زور

بچه‌ها یکی، یکی جمع شدند و پای منبر نشستند. حاج آقا بسم‌الله گفتند و شروع کردند. حاج آقا: سلام آقا پسرهای امام حسین... (نشسته بودم و داشتم به مسئله‌ی امسال هیئت میتاق با شهدا فکر می‌کردم. با خودم می‌گفتم حالا برای بزرگ‌ترها گفتیم که در زیر خیمه‌ات همه یک خانواده‌ایم. چگونه می‌توانیم به بچه‌ها هم این را بگوییم؟)

-امشب می‌خواهیم یک بازی انجام بدهیم. خب اول یکی که فکر می‌کند خیلی زوروش زیاد است بیاید. اسمش را می‌گذاریم آقای پُر زور (بچه‌ها دست گرفتند و یکی انتخاب شد). حالا چند نفر دیگر بیایند. بچه‌ها با فاصله کنار هم ایستادند، حاج آقا: آقای پُر زور، برو و یکی یکی این بچه‌هایی که ایستاده‌اند را هل بده تا زمین بخورند. بچه‌ها یکی یکی زمین می‌خوردند، من با خودم می‌گفتم شب اول محرم، این چه کاری است؟ حتماً حاج آقا می‌خواهد حوصله‌ی بچه‌ها سر نرود تا این دو ساعت هیئت بگذرد و بچه‌ها بروند خانه‌شان.

-خب حالا، شماهایی که کنار هم بودید، دست‌های یکدیگر رو بگیرید. آقای پُر زور، حالا بیا و دوباره سعی کن بچه‌ها را بندازی زمین. آقای پُر زور هرچه سعی کرد نتوانست.

-خب بچه‌ها این یعنی اتحاد، تا وقتی که تکی تکی بودید دیدید که نتوانستید مقاومت کنید و زمین خوردید؛ ولی وقتی که دست‌های همدیگر رو گرفتید و متحد شدید دیگر زور آقای پُر زور به شما نرسید.

-حالا مرحله‌ی بعد... حاج آقا رفت و در گوش دو سه تا از بچه‌هایی که دست‌های همدیگر را گرفته بودند آرام و یواشکی گفت: وقتی آقای پُر زور به شما حمله کرد، شما دست‌هایتان را از بقیه‌ی جدا کنید. دوباره آقای پُر زور حمله کرد، اما این دفعه بچه‌هایی که مثلاً نفوذی جمع بودند دست‌هایشان را از بقیه کشیدند و بچه‌ها افتادند.

-خب بچه‌ها فقط متحد بودن کافی نیست، ماها باید همدل باشیم تا قدرتمان حفظ شود. یعنی چه باشیم؟ یعنی هم متحد باشیم و هم اعتقاد و عقیده‌ی ما یکی باشد تا بتوانیم در مقابل زورگو مقاومت کنیم. یک‌لحظه جا خوردم؛ آزمایش اجتماعی روشی بود که حاج آقا برای انتقال مفهوم استفاده می‌کردند. همیشه فکر می‌کنیم برای انتقال مفاهیم بزرگ حتماً باید از کتاب‌ها و منبرهای عریض و طویل استفاده کنیم.

-بچه‌ها امام حسین علیه السلام، نقطه‌ی مشترک ما با همدیگر است. یعنی با اسم امام حسین علیه السلام باهم رفیق شدیم، آمدیم اینجا و کارهای هیئت را انجام دادیم.

چراغ افکار روشن شد، وقتی ما باهم متحد و همدل باشیم هیچ‌کس توان مقابله با ما ندارد، اگر خواهد حرکتی بزند، خروش اراده‌های یک خانواده بر علیه او قد علم می‌کند. در محرم با نام حسین دل‌ها مجتمع می‌شوند و روحیه‌ی مقاومت و جدال حق و باطل تجدید حیات می‌شود. امام حسین علیه السلام، نقطه‌ی مشترک ماست، عنصری که زبان مشترک ما در درون گفتارمان اسلام و حتی در ارتباط با سایر ادیان و ملل می‌باشد. حسین است که مایه‌ی ارتباط قلوب مؤمنین به یکدیگر و محبت انس جماعت است. بین من و رفقایم که این یک سنت حسنه است، هر وقت می‌خواهیم کاری را شروع کنیم، با روضه‌ی ابی‌عبدالله همدل می‌شویم.

را طور دیگری رصد کنیم. اختلاف در گویش و پوشش که نباید صفات تاریخی ما را دستخوش تغییر کند. همواره کنار یکدیگر بوده‌ایم، با اشتراک‌ها و تفاوت‌ها. امروز اما نه تنها وقتی در مترو یا اتوبوس تندر و چشممان به هم می‌خورد لبخند نمی‌زنیم و به هم توجه نمی‌کنیم، بلکه اغلب اوقات صدای جیغ و داد از این طرف و آن طرف بلند است.

راه‌حل هم بسیار واضح است، منطقی باشیم، دست تفرقه دشمن را قطع کنیم و خودمان در کنار خودمان مشکلاتمان را حل کنیم. عملیاتی‌تر هم بخواهیم بگوییم این می‌شود که محبتمان را نسبت به هم دیگر بیشتر کنیم.

امام علی علیه السلام فرمودند: با سه صفت محبت و دوستی به دست می‌آوری: ۱. انصاف در معاشرت، ۲. همدردی با دیگران در خوشی و ناخوشی، ۳. برخورد با قلب پاک و سالم (عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثُ خِصَالٍ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمَحَبَّةَ: الْإِنصَافُ فِي الْمَعَاشِرَةِ وَ الْمَوَاسَاةُ فِي الشَّدْوِ وَ الْإِنطِوَاعُ وَ الْجُوعُ إِلَى قَلْبِ سَلِيمٍ. [بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۲، ح ۱۷۷])

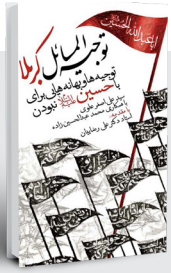
این را هم البته باید گفت که اگر کسی نخواست با همه شرایطی که باید کنار ما باشد ما هم نمی‌توانیم آن را بپذیریم. حالا که در تراث ملی-مذهبی‌مان اجتماع مذهبی محرم را داریم می‌توانیم از این فرصت استفاده کنیم تا بیشتر کنار هم باشیم.

چند ماهی از اعتراضات گذشته است و تب اعتراضات خوابیده؛ اما همچنان تأثیرش را در جو جامعه از دست نداده است. جنس فرهنگی فتنه باعث این ماندگاری شده. بی‌حجابی‌های سرسام‌آور در سطح شهر زیاد شده و ناهنجاری‌های زیادی در حال تشکیل است. در این یادداشت سعی داریم تا پرده‌ای دیگر از این تأثیرات فراتر برداریم.

شکی در این نیست که ما دارای خلق و خوی خشن نیستیم. کمک به هم نوع، میهمان‌نوازی، دستگیری از محروم و دادخواهی مظلوم، همه صفات نهادینه در سرشت آدم‌های این حوالیست. منشور داریوش و فتح بدون خونریزی بابل گواه تاریخ است و مایه مباهات ما. آن‌بنگه دنیا اما بربرها و گوت‌ها بودند که ارتزاق و کسبشان از جنایت بود. بعدتر که داعیه‌دار توسعه و مدنیت شدند هم ظلم را که ترک نکردند. بالاخره ترک عادت موجب مرض است! حجاجی برده سیاه و کشتار سرخ‌پوست‌ها شاهد بر این ادعا. اکنون اگرچه مدزینته روی اخلاق و رفتار ما تأثیر گذاشته باشد و سود و منفعت برای ما مهم شده باشد، اما سرشت مهربان ما که پاک نمی‌شود. ولی وقتی در یک ملت تفرقه به وجود بیاید، و در دو قطبی که توسط خودمان ایجاد نشده تنش زیاد شود، دیگر محل بحث ما، ذات مهربان ملتمان نیست، محل بحث ما جای دیگری است.

فقط کافی است سرمان را از توی لاک در بیآوریم تا اوضاع

● برشی از کتاب "توجیه المسائل کربلا"



توجیه المسائل
کربلا اثر خاص
حجت الاسلام
سید علی اصغر

علوی که به تقبیح دلایل و بهانه‌های عدم همراهی امام حسین (ع) در جریان کربلا می‌پردازد. در بخشی از این مکتوب آمده است:

باید تلاش کنیم که در امتحان‌های الهی پیروز شویم و سربلند شویم.

تعبیر قرآن از پیروزی در امتحانات الهی تعبیر «احسن عملاً» است.

یعنی کسانی در امتحانات الهی موفق هستند که بهترین عمل را انجام دهند، نه هر عمل خوبی را!

[اینکه] در کربلا با حسین باشی نه این که در مدینه تفسیر بگویی...

تاریخ می‌خواست به همه درس اهمیت اولویت‌بندی یاد بدهد. جایی که اولویت حسین است، هیچ تأخیری جایز نیست. باید اولویت را همراه امام انتخاب کرد. نه زودتر نه دیرتر «الْمُتَّقِدُّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّزِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ» و چه قدر سخت می‌شود تشخیص این اولویت؛ خیلی‌ها اشتباه کردند.

«یک عده بقل‌دست حسین هم نشستند بودند. نقشه دستشان نبود؛ اشتباه کردند. کی می‌تواند بگوید عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر از اسلام و از محبت خاندان پیغمبر نصیبی نداشتند؟ اینهایی که در دامان آل پیغمبر بزرگ شده بودند، اما نقشه عوضی دستشان بود. نمی‌دانستند آن سرزمینی که باید از آن دفاع بشود و آن نقطه‌ای که باید برایش فداکاری بشود، کجاست. نشستند در مدینه به امید آن که چهارتا مسئله بگویند. اسلام مجسم را، قرآن ناطق را حسین فاطمه را تنها گذاشتند.»

برای همین شب عاشورا در وصفشان فرمود اصحابی مثل شما ندیدم. «فَأَنَّى لَا أَغْلَمُ اصْحَابًا أَوْفَى وَ لَا خَيْرًا مِنْ اصْحَابِي»

وقتی حسین به سمت کربلا حرکت آغاز می‌کند، همه چیز از اولویت خارج می‌شود، حتی طواف حج واجب. دیگر مکه و مدینه ماندن اولویت خود را از دست می‌دهد. اگر بگوییم این واجبات در برابر تصمیم ولی خدا از استحباب هم بی‌رنگ‌تر می‌شود، درست گفته‌ایم. پشت به قبله و رو به امام بودن در آداب زیارت، یادآور این جلوه از تاریخ است: اول حسین، آخر حج!



خلاصه سخنرانی شب اول محرم هیئت میثاق باشهدا

میل به رهایی و آزادی

یعنی رهایی از غمها و محدودیت‌های عالم هستی. نتیجه نهایی رهایی، آزادی از زنجش‌های درونی و بیرونی است. بحث ما در رهایی است و اینکه گام آخر برای رهایی انسان چیست؟

انسان، قیامت را انکار می‌کند؛ چون خیال می‌کند رهایی او را محدود می‌کند، درحالی‌که برعکس است. فقط قیامت است که به انسان رهایی می‌دهد.

میل به رهایی، انسان را هم قدرتمند و هم لطیف می‌کند. رهایی هم خوش فهمی و هم خلاقیت می‌آورد. فلسفه دین رسیدن به رهایی است. مدل دعوت خداوند هم به همراه رهایی است. حتی در تنبیه‌ها هم این موضوع رعایت می‌شود، چرا که مجازاتی که ذکر می‌شود فوری نیست بلکه شاید روزی اتفاق بیفتد، شاید هم اتفاق نیفتد. چرا باید عرفایی مثل امام خمینی و آیت‌الله شاه‌آبادی سیاسی بشوند؟ چون کسی که به رهایی رسیده نمی‌تواند بردگی سیاسی سلاطین را تحمل کند. نمی‌تواند برده شدن دیگران را تحمل کند.

میل به رهایی باعث حماسه عاشورا شد؛ امام حسین (ع) نمی‌خواستند بردگی دیگری را تحمل کنند. اگر می‌خواهید جزو جریان‌های اجتماعی نجات‌بخش در عالم باشید باید خودتان به رهایی برسید. اگر اهل رهایی باشی و برای رهایی انسان‌ها غصه بخوری، خداوند به تو مأموریت خواهد داد.

یکی از خواسته‌های جدی انسان، رسیدن به رهایی و آزادی است. رهایی از زنجش‌های درونی و بیرونی خیلی برای انسان مطلوب است. خدا هر میلی را در وجود انسان قرار داده، حکمتی داشته است و پاسخی از جانب پروردگار دارد. البته برخی از تمایلات در وجود انسان اصیل نیست، مثل حسادت. این حس در وجود انسان اصیل نیست؛ بلکه به‌خاطر ترس از دیگر عوامل مانند فقر به وجود آمده است. میل آزادی اما احساس اصیلی است. میل به رهایی در مقابل دین‌دار و اطاعت از خداوند نیست، بلکه رهایی مطلق در دین‌داری است. اگر رهایی طلبی را در کسی دیدی، آن را تقویت کن تا با رهایی مطلق آشنا شود. هر جا میل مقدس به رهایی از بین رفت، انسان‌ها دچار دو مصیبت شدند: پذیرش و تحمل زنجش‌های بیرونی مثل ظلم سلطه‌طلب‌ها و زنجش‌های درونی اگر میل رهایی در وجود انسان از بین رفت دیگر چگونه می‌توان او را به سمت دین دعوت کرد؟

ما در جلسه امام حسین (ع) شرکت می‌کنیم برای رسیدن به رهایی. حضرت، اصحاب خودش را در شب آخر به رهایی مطلق رساند.

الگوی ما برای رهایی در این دنیا اول خود خداوند است، رها است. قادر است اما می‌بخشد. باید به رهایی مطلق برسیم.

کربلا؛ خانه‌ی عشاق

● رادیو میثاق ویژه روز دوم محرم الحرام اسکن کنید



Radio misaq



عبدالرحمن بن عبدالله
انی علی دین حسین و حسن
دین من همان دین حسین و حسن است